

واکاوی رویکرد های ادبی در تفسیر «غریب القرآن»

فاطمه دست رنج^۱

چکیده

غریب القرآن یکی از شاخه های مهم علم مفردات است و علم مفردات دانش گسترده ای است که در آن درباره معانی الفاظ مفرد و عوارض آن و چگونگی کاربردشان سخن گفته می شود. تفسیر مبتنی بر مباحث زبانی و ادبی قرآن از جمله گرایش های کهن در تفسیر قرآن است. مفسران از قرن دوم به بعد تفاسیر لغوی یا غریب القرآن را سامان بخشیدند. «غریب القرآن» زیدبن علی (ع) از کهن ترین تراث قرآنی شیعه در زمینه غریب القرآن است. سیره زندگی زیدبن علی (ع) و مواضع ائمه اهل بیت نسبت به وی، شان و جلالت او را آشکار می سازد. از لابه لای آثار او می توان سیطره علمی ایشان به قرآن و حدیث را ملاحظه کرد. رویکردهای ادبی در این تفسیر، در دو بعد «علوم بلاغی» و «بعد لغوی و واژگانی قرآن» قابل بررسی است. ریشه یابی لغات مشکل و غریب قرآن، استشهاد به اقوال قبایل عرب و بیان کاربردهای مختلف یک لغت در قرآن، بحث پیرامون معرّبات، بیان ترادف، اشتراک لفظی و نکات بلاغی نظیر مجاز، کنایه در آیات قرآن از مهم ترین ویژگی های تفسیری او در ابعاد یاد شده ست.

کلید واژه: گرایش تفسیری، تفسیر ادبی، زیدبن علی (ع)، غریب القرآن



طرح مساله

تفسیر آیات قرآن و تبیین حقایق نهفته در آن، در زمان رسول خدا بنیان نهاده شد و پیامبر اکرم (ص) در کنار مسئولیت ابلاغ پیام الهی، مسئولیت تبیین و تفسیر کلام الهی را طبق تصریح قرآن کریم: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل/ ۴۴) انجام می دادند و پس از ایشان، امر تفسیر، توسعه یافت و رویکردها و گرایش های متعددی شکل گرفت.

در قرن دوم نیز درباره مسائل لغوی قرآن آثاری با عناوین «غریب القرآن»، «معانی القرآن»، «مشکل القرآن» و «مجاز القرآن» تألیف شد. پیشینیان این عناوین را مترادف می دانستند و آنها را به جای یکدیگر بکار می بردند. (ابن قتیبه، ۱۳۷۸، ص ۱۲) برخی از لغت شناسان نیز ضمن توضیح لغات، به آیات قرآن استشهاد می کردند و علاوه بر معانی مفردات آیات به مباحث نحوی و قرائت های مختلف آنها نیز می پرداختند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، صص ۲۰۸، ۳۹۷-۳۹۸؛) در هر صورت به موضوع غریب القرآن در سده های گوناگون توجه شده و درباره آن کتابهای متعدد نگاشته شده است. (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۳۷. حاجی خلیفه، ج ۲، صص ۱۲۰۳-۱۲۰۸؛ تهرانی، ج ۱۶، صص ۳۱-۳۲، ۴۶-۵۰).

یکی از اولین کتب نگاشته شده در این زمینه «غریب القرآن» زیدبن علی (ع) است. اهمیت این کتاب در علم مفردات با توجه به اینکه مولف در عصر حضور ائمه (ع) و احتجاج لغوی زندگی می کرد، آشکار است. بازشناسی رویکرد های ادبی در تفسیر زیدبن علی (ع) کمتر مورد توجه بوده است. موضوعی که شاید بهره های علمی و کاربردی آن به مراتب بیش از رویکردهای دیگر باشد. با این انگیزه، نوشتار حاضر در صدد است رویکردهای ادبی را در یکی از کهن ترین تراث قرآنی شیعه واکاوی نماید.

۱ - مفهوم شناسی

۱-۱- تفسیر ادبی^۱

^۱. Interpretation



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

در معنای اصطلاحی تفسیر تعاریف مختلفی در مقدمه برخی از تفاسیر و آثار دانشمندان علوم قرآن به چشم می‌خورد از آن جمله «طبرسی» در فن سوم مقدمه تفسیر مجمع البیان می‌گوید: «تفسیر، کشف مراد از لفظ مشکل است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۹) راغب اصفهانی در تعریف آن می‌گوید: «کشف معانی قرآن و بیان مراد، اعم از این که به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن و یا به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد.» (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۷). علامه طباطبائی بیان می‌کند: «تفسیر بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست»، (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴)

بنابراین تفسیر، بیان مراد خداوند از آیات قرآن کریم است و اصولاً تفسیر در کلامی استفاده می‌گردد که دارای نوعی ابهام یا اجمال باشد به طوری که به سهولت مقصود و مراد متکلم از سخنش، درک نگردد.

تفسیر ادبی که نخستین صبغه و گرایش اجتهادی، در تفسیر محسوب می‌شود تفسیری است مشتمل بر مباحث زبانی و ادبی قرآن، مانند لغت، اعراب و بلاغت و این گرایش به رویکرد تفاسیری اطلاق می‌شود که به سبب علاقه یا تخصص، مفسر به مطالب ادبی، نظیر: صرف و نحو و معانی و بیان، لغت و... می‌پردازد و رویکرد اصلی آن توضیح ادبی آیات است. از جمله انواع تفسیر ادبی، تفسیر لغوی (مفردات قرآن، غرائب قرآن، معانی قرآن) است در این شیوه، بر شناخت لغات مشکل و غریب و ریشه‌یابی و اشتقاق و سیر تطور لغات تأکید می‌شود؛ همچنین به اشعار عرب و اقوال مردم و قبایل استشهداد و به کاربردهای مختلف یک لغت در قرآن و علم وجوه و نظایر و نیز به مترادف‌ها و حقیقت و مجاز لغات، توجه می‌شود. (صاوی جوینی، ۱۹۹۸، ص ۳۶۴)

۱-۲- غریب القرآن

«غریب» در کلام به معنای سخن غامض، پیچیده و مبهم است و رابطه آن با معنای اصلی کلمه در این است که واژه غریب، دور از ذهن است و نیاز به تفسیر و توضیح دارد. (الخورى الشرتونی، ۱۸۸۹، ج ۲، ص ۱۶۵) نویسنده بزرگ مصری «مصطفی صادق الرافعی» در این باره می‌گوید: «و فی القرآن ألفاظ اصطلح العلماء علی تسميتها بالغرائب، و لیس المراد بغرابتها أنها منكرة أو نادرة أو شاذة، فإن القرآن منزّه عن هذا جمیعاً، و إنما اللفظة الغریبة ههنا هی الّتی تكون حسنة مستغربة فی التأویل؛



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بحیث لا یتساوی فی العلم بها أهلها و سائر الناس» در قرآن واژه‌هایی هست که علما، آنها را واژگان غریب می‌نامند، این غرابت بدان معنا نیست که آنها ناشناخته یا نادرند زیرا قرآن از چنین واژگانی پیراسته است، بلکه مقصود واژه‌هایی است که هنگام تأویل و تفسیر غریب می‌نماید به گونه‌ای که همه مردم در فهم آنها برابر نیستند. (صادق‌الرافعی، ۱۴۲۱، ص ۵۰).

به دیگر بیان، آن بخش از واژگان قرآن کریم که برای افراد آشنا با زبان عربی به آسانی قابل درک نباشد، بلکه در این باره نیاز به آشنایی گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، غریب‌القرآن گفته می‌شود.

بنابراین دانستن معانی مفردات قرآن کریم، یکی از ابزارهای لازم برای دانستن معانی آیات است. از این رو دانستن این فن برای مفسر قرآن ضروری است و گرنه پرداختن به کتاب خدا بر او روا نیست. (زرکشی، ۱۴۰۸، ص ۳۹۶) بنابراین اولین دانش قرآنی که مفسر به آن نیازمند است دانش لفظی است و از جمله دانش‌های لفظی تحقیق پیرامون مفردات الفاظ است و برای کسی که می‌خواهد معانی قرآن را درک کند اولین یاریگر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴) از این رو لغت و ادبیات عرب، یکی از منابع و ابزارهای مهم تفسیر قرآن است که هیچ مفسری از آنها بی‌نیاز نخواهد بود.

بنا بر این، غریب‌القرآن یکی از شاخه‌های مهم علم مفردات است و علم مفردات دانش گسترده‌ای است که در آن درباره معانی الفاظ مفرد و عوارض آن و مناسبات و چگونگی کاربردشان در قرآن سخن گفته می‌شود.

۲- حیات علمی زید بن علی (ع)

ابوالحسن زید بن علی فرزند امام چهارم شیعیان، امام علی بن حسین (ع) است. از اخباری که در کتب شیعه و سنی نقل شده، به دست می‌آید که وی در مدینه به دنیا آمده است. زید بن علی (ع) از برجسته‌ترین شاگردان مکتب پدر بزرگوارشان امام سجاد (ع) و برادرش حضرت باقر (ع) بوده است و از حضرت صادق (ع) نیز فراوان آموخته بود. در سایه تلمذ در محضر آن سه امام معصوم (ع) علوم اسلامی اعم از تفسیر و حدیث و فقه و کلام و علم قرآنت را اخذ کرد و خود به تربیت شاگردان پرداخت و به درجه‌ای از منزلت علمی رسید که امام باقر (ع) و امام صادق (ع) گاهی دانشمندان بزرگ شیعه را برای استفاده علمی و تصحیح عقاید و اندیشه‌ها به محضر زید بن علی (ع) ارجاع می‌دادند. (رضوی اردکانی، ۱۳۶۱، ص ۳۹)



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

وی به اخذ و فراگیری علوم در مدینه اکتفا نمود و رهسپار عراق گردید؛ در بصره با فرقه‌های مختلف روبه‌رو شد و از

احوال آنان مطلع گردید. (ابوزهره، ص ۲۳۵)

وی در زمان هشام بن عبدالملک به قصد امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی امام حسین (ع) با هشام و عاملان

وی به مبارزه بر می‌خیزد و در سال ۱۲۰ یا ۱۲۱ و یا ۱۲۲ هـ ق در ۴۲ سالگی به دست مأموران یوسف بن عمر ثقفی - عامل هشام

در کوفه - به شهادت می‌رسد. (مفید، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۴۸، طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۹۵، بخاری، ج ۳، ص ۴۰۳، ابن حبان ۱۹۷۳،

ج ۴، ص ۲۴۹، ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۶۲)

سیره زندگی زید بن علی (ع) و مواضع ائمه اهل بیت نسبت به وی، شان و جلالت او را آشکار می‌سازد. آیت الله خویی

پس از ذکر بخشی از روایاتی که بر مدح و جلالت وی دلالت دارد، روایات حاکی از نقصان و نکوهش وی را ذکر و سند و

دلالت آنها را بررسی می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد که «زید» جلال و ممدوح است. (خویی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۳۴۶-۳۴۵)

از جمله ویژگی‌های دیگر او برخورداری از بیان فصیح و بلیغ است به گونه‌ای که هشام بن عبدالملک دشمن سرسخت

زید می‌گوید: «أَنَّ خُلُوَ اللِّسَانِ شَدِيدُ الْبَيَانِ خَلِيقٌ بَتَمُويهِ الْكَلَامِ؛ زید دارای زبان شیرین و بیان محکم و سازنده و کلام فصیح و

روان بود.» (یعقوبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۲۵) علاوه بر آن، وی دارای قلم بسیار ادیبانه و در عین حال علمی بوده است به عنوان مثال

در کتاب الصفوه، او استدلال‌های کم‌نظیر را به همراه نثر بسیار زیبا ارائه کرده است. از لابه‌لای این اثر می‌توان سطره علمی ایشان

به قرآن و حدیث را ملاحظه کرد. بعد دیگر فصاحت و قدرت بیان زید را باید در دعاهای او دید. او در بیان جملات دعایی

فصیح و تأثیرگذار تبخّر زیاد داشته است. در کتاب‌های بسیاری نمونه‌های از دعاهای وی وارد شده است. (رضوی اردکانی

۱۳۶۱، ص ۷۹)

۳- اهمیت و جایگاه «غریب القرآن»

از جمله نسخ خطی غریب القرآن، نسخه‌ای در کتابخانه بیبل آمریکا است که ۱۵۷ صفحه دارد و نیز نسخه‌ای در

کتابخانه متوکلیه صنعاء در یمن و نیز نسخه‌ای در کتابخانه برلین در آلمان است این نسخ خطی مبنای عمل محققان کتاب غریب



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

القرآن قرار گرفته و براساس آن دو تحقیق از این کتاب توسط دکتر محمّد تقی حکیم و سیّد محمّد جواد الحسینی الجلالی با مقدمه ای مفصل چاپ شده است. حکیم در مقدمه این کتاب بر اهمیت کتاب تاکید کرده و غریب القرآن زیدبن علی را در زمره اولین کتب غریب القرآن و از جمله ی اولین مصادر و معاجم عربی بر می شمرد. (حکیم، زید بن علی، ص ۶)

اگر چه جمعی از محققان معتقدند که تفسیر «غریب القرآن» از کلمات متفرقه زید بن علی گردآوری شده و جمعی از علمای بزرگ زیدیه آن را روایت کرده اند، (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۳۷۱ - ۳۷۵) اما از کتاب زید بن علی (ع) در منابعی چون «تاریخ التراث العربی»، «تاریخ الادب العربی»، «الاعلام زرکلی»، و ... یاد شده و در گزارش های مختلفی از جمله در کتاب «امالی» ابن شجری و «طبقات الزیدیه» صارم الدین و کتاب «الروض النضیر» این کتاب به زید نسبت داده شده است. سزگین، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۲۲؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۵۹؛ شباهت برخی از روایات تفسیری زید که در کتب تفسیری شیعه و سنی آمده با روایات این کتاب و نیز شباهت بعضی از اقوال زید در غریب القرآن با اقوالی که در کتابهای دیگرش وجود دارد می تواند دلیل دیگری بر صحت انتساب غریب القرآن به زید باشد. (معمربن مثنی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۷)

علاوه بر آن این کتاب به واسطه «ابی جعفر محمدبن منصور یزیدی المرادی»، «علی بن احمد و عطائب بن سائب» و «ابو خالد الواسطی» نقل گردیده است که اغلب رجالیون بر توثیق ایشان اتفاق نظر دارند. (مامقانی، ج ۲، ص ۲۵۳؛ ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۰۴؛ خویی، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۱۴۵)

۴- واکاوی رویکرد ادبی در «غریب القرآن»

تفسیر «غریب القرآن» از اولین کتب تفسیری با رویکرد ادبی به ویژه در زمینه غریب القرآن است که علی رغم اهمیت آن در علم تفسیر و لغت، تاثیر آشکاری از این کتاب در کتب تفسیری دیده نمی شود احتمال می رود این امر به دلیل قیام زید و شخصیت سیاسی او و نیز ترس از حاکمیت وقت در انتشار این کتاب باشد به ویژه آنکه قیام زیدیه تا دولت عباسی ادامه داشته است. در ادامه به نمونه هایی از رویکردهای ادبی آن در دو بعد لغت و علوم بلاغی، اشاره می شود.

۴-۱- توجه به نکات بلاغی



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

در تفسیر غریب القرآن، زید به نکات بلاغی خصوصاً مجاز، کنایات عنایت دارد، در این قسمت به ذکر مواردی چند

از آن می‌پردازیم:

۴-۱-۱- مجاز:

مجاز لفظی است که در غیر آنچه در اصطلاح مخاطب برای آن وضع گردیده، استعمال می‌شود، این استعمال به جهت

پیوند و مناسبتی است که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه‌ای است که مانع از اراده معنی وضعی آن می

شود. (هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۴).

زید شهید در غریب القرآن به مجازات یک واژه عنایت دارد؛ به عنوان مثال، وی در آیه ۲۱ سوره بقره «فَهُوَ فِي عِيشَةٍ

رَاضِيَةٍ» (او در یک زندگی خوش، است) عبارت «عِيشَةٌ رَاضِيَةٌ» را «عِيشَةٌ مَرَضِيَّةٌ» معنا می‌نماید. (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲،

ص ۴۳۲) نظیر این قول را در برخی از تفاسیر می‌توان دید. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۳۲؛ شوکانی، ۱۴۱۳، ج ۵۴، ص ۳۳۹)

زید اشاره یا توضیح بیشتر در این زمینه نداده است. گفته اند در این آیه فاعل در مکان مفعول قرار گرفته و در واقع آن مرضیه

بوده است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۰۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۲۰).

زید در آیه ۱۰۷ سوره صافات «وَقَدِّينَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» ذبح را مذبح معنا می‌نماید. (زید بن علی (ع)، ص ۳۴۴)

وی در واقع اشاره به معنای مجازی آن نموده است، این نوع مجاز را که مصدر تأویل به اسم مفعول شده باشد را مجاز

مفرد یا مرسل می‌نامند. سیوطی در نوع پنجاه و دوم از کتاب خود به آن اشاره دارد. (سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۱).

بسیاری از مفسران در تفسیر این آیه ذیل واژه «ذبح» همان برداشت زید را داشتند. (معمربن مثنی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۷۲؛

شوکانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۶۵؛ ص ۴۸۶؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۳۵۰)

زید شهید در آیه ۹ سوره ابراهیم «... فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ...» (دستشان را در دهانشان فرو می‌بردند.) واژه «افواههم»

را «السننهم» معنا می‌کند. (زید بن علی (ع)، ص ۲۳۳). می‌توان گفت در اینجا به مجاز مفرد و مرسل با علاقه محلیت اشاره شده

است؛ چرا که گفتار تنها با زبان پدید می‌آید. (هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۵)



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

نمونه دیگر آیه ۲۲ از سوره ذاریات است؛ زید شهید واژه «رزق» را «مطر» معنا می‌کند، در واقع ایشان به معنای مجازی واژه اشاره کرده‌اند. (زید بن علی (ع)، ص ۳۸۷) توضیح اینکه خود باران سبب رزق و روزی است، نه اینکه خودش روزی باشد؛ سیوطی این نوع مجاز را در زمرة مجاز مفرد آورده و از آن تحت عنوان اطلاق مسبب بر سبب یاد نموده است. سبب باران و مسبب رزق و روزی است. (سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۵۷)

نمونه دیگر آیه ۸ از سوره حاقه است؛ مؤلف واژه «باقیه» را «بقیه» معنا می‌کند. (زید بن علی (ع)، ص ۴۳۱). توضیح اینکه اگر فاعل به معنای مصدر باشد، مجازی تحت عنوان مجاز مفرد یا مرسل صورت گرفته است.

۴-۱-۲- کنایات

مؤلف در تبیین واژگان به کنایات قرآنی اشاره می‌کند؛ به عنوان نمونه وی ذیل آیه ۲۱ سوره فصلت می‌نویسد: «جلود» کنایه از فروج است. (زید بن علی (ع)، ص ۳۵۷)

بعضی از مفسران نیز مانند زید واژه «جلود» را کنایه از فروج می‌دانند، (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۲۸)، اما گروهی معتقد هستند که مراد از جلود، اعضاء بدن است. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۱)

نمونه دیگر آیه ۵ سوره سباء است؛ مؤلف واژه «معاجزین» را «مسابقین» معنا می‌کند؛ (زید بن علی (ع)، ص ۳۳۰) وی با این تعبیر از واژه، نشان می‌دهد که به استعاره موجود در آیه عنایت دارد؛ همان گونه که بعضی از مفسران نیز بیان کردند، می‌توان گفت که «مسابقین» استعاره به کنایه از «معاجزین» است؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۳۵۸) به این صورت که کفار آیات الهی را مسافتی در نظر می‌گیرند که باید در آن مسافت به مسابقه پردازند تا برنده شوند و از این راه خدا را به ستوه آورند و عاجز نمایند.

نمونه دیگر آیه ۹۲ سوره نحل است؛ زید شهید واژه «دخل» را فساد معنا می‌کند؛ وی به اصل واژه اشاره نمی‌کند. (زید بن علی (ع)، ص ۲۴۵) گفته‌اند که اصل «دخل» عبارت از این است که چیزی را داخل در چیزی دیگر کنند، حال آنکه از آن جنس نباشد و در اینجا کنایه از خدعه و نیرنگ است. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۸۹)



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

برخی گفته اند: «دخل» و «دغل» به یک معنی هستند و در آن ابدال صورت گرفته است، همان گونه که در «مدح» و «مده» نیز چنین است و «خاء» و «غین» از یک مخرجند و در زمرة حروف حلق قرار می‌گیرند. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ج ۲، ص ۸۶).

برای نمونه های بیشتر می‌توان به آیه ۲۳۵ سوره بقره ذیل واژه «سراً» اشاره کرد یا به آیه ۲۲۳ سوره بقره ذیل واژه «حرث» و ... اشاره کرد. (زید بن علی (ع)، ص ۱۴۷ و ص ۱۴۹).

۴-۱-۳- مشترک لفظی

با توجه به گوناگونی موارد کاربرد واژه‌ها در زبان عربی، اشتراک لفظی یکی از موضوعات مورد توجه لغویون و مفسران بوده است. اشتراک لفظی به مفهوم آن است که لفظی بر دو معنا یا بیشتر به طور یکسان دلالت کند و یا به تعبیر دیگر، اشتراک لفظی آن است که لفظی بیش از یک معنا داشته باشد. (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۰۲)

بنابراین اگر الفاظ با هم مشترک و در معنی با هم متفاوت باشند عبارت مشترک لفظی را به کار می‌گیرند. در نظر قدما اشتراک لفظی مفهوم عامّ و شاملی داشته و هر موردی که لفظ آن واحد و مستعمل فیه آن متعدد بوده را شامل می‌شده است. (تفلیسی، ۱۳۷۸، ص ۱) سیبویه در کتاب پس از بیان انواع ارتباط لفظ و معنا از مشترک لفظی با عبارت «اتفاق اللفظین و اختلاف المعنیین» یاد می‌کند. (سیبویه، ۱۴۰۸، ۱، ۸) همچنین کتاب‌هایی با عنوان «الوجوه و النظائر» و «ما اتفقت الفاظه و اختلفت معانیه» مؤید گستردگی معنای مشترک لفظی است. برخی همچون سیوطی بر این باورند که «وجوه» لفظ مشترکی است که در چند معنی استعمال می‌شود و «نظائر» مانند الفاظ متساوی است. (سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۵) برخی نیز معتقدند که «وجوه» الفاظ نیست؛ بلکه معانی و مقاصدی است که مفسران با آن استدلال می‌کنند و «نظائر» لفظ عامی است که بر الفاظ متعددی که مفهوم و مقصود زیادی از آنها در قرآن کریم منشعب می‌شود، دلالت دارد. (محمد العوّا، ۱۹۶۸، ص ۴۶) در رابطه با مشترک لفظی گفته شده که نباید وضع هیچ یک از معانی لفظ مشترک بر دیگری تقدّم زمانی داشته باشد و باید لفظ مشترک در مواضع مختلف حروف و حرکات واحدی داشته باشد. (المنجد، ۱۹۱۸، ص ۴۵)

مشترک لفظی را برحسب معانی آن به دو قسم متضاد و متباین تقسیم کرده اند: الفاظ متضاد مانند واژه «عسعی» که به دو معنای «روی آوردن» و «پشت کردن» مستعمل است و الفاظ متباین مثل لفظ «عین» که هم به معنای چشم و هم به معنای چشمه و چشم زخم و جاسوس است و هیچ کدام از این الفاظ وجه اشتراکی با هم ندارند و از هم دور هستند؛ ما در این قسمت به بررسی الفاظ متباین و متضاد در غریب القرآن می پردازیم.

زید ذیل آیه ۴۶ از سوره بقره «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ...» (کسانی که یقین دارند پروردگارشان را ملاقات می کنند و به سوی او باز می گردند) واژه «ظن» را در این آیه به معنای علم و یقین دانسته. و از قول دیگران می نویسد: به آن تهمت و شک نیز گفته می شود. (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲، ص ۱۲۷)

زید در آیه ۲۲۸ از سوره بقره «... وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا...» (و در آن ایام اگر شوهرانشان قصد اصلاح داشته باشند به بازگرداندنشان سزاوارترند.) ذیل واژه «بعل» آن را عبارت از «رب» و «زوج» و «عدی من الارض» می داند. (همان، ص ۳۴۵)

در توضیح عبارت «عدی من الارض» باید گفت یا اشاره به مکانی دارد که در آن گیاهی بدون اینکه نیاز به آب داشته باشد، رشد می کند و یا به معنای نخل است و یا گیاهی که از آب باران می خورد. (ابو عبیده معمر بن مثنی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۷۲)

برای نمونه های دیگر از مشترک لفظی در تفسیر غریب القرآن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

زید شهید در آیه ۲ از سوره بقره می نویسد: «لاریب» به معنی لا شک و هم به معنی «السوء» است. (زید بن علی (ع)، ۱۲۳) وی در این آیه واژه «ریب» را هم به معنی شک و هم بدی تبیین نموده است. نمونه دیگر عبارت از آیه ۵ سوره بقره است؛ مؤلف غریب القرآن واژه «فلح» را پیروز و حمد و بقاء معنا می کند. (زید بن علی (ع)، ص ۱۲۲) آیه دیگر عبارت از آیه ۲۶۹ سوره بقره است؛ مؤلف واژه «الحکمه» را امانت و زبان و فقه و عقل و فهم تبیین نموده است. (زید بن علی (ع)، ص ۱۵۴)

در آیه ۱۰ سوره توبه مصداق دیگری از مشترک لفظی به چشم می خورد. مؤلف غریب القرآن واژه «الأ» را به خداوند، قرابه، میثاق، ذمه و عهد تبیین نموده است. (زید بن علی (ع)، ص ۲۰۷) همان گونه که مشاهده می گردد، واژگان «ذمه» و «قرابه» و



«میتاق» و «خداوند» از نظر معنایی از هم دور ولی همه آنها برای واژه «ال» کاربرد دارند.

زید در آیه ۱۷ سوره تکویر «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ» (سوگند به شب چون تاریک شود) ذیل عبارت «عَسَسَ اللَّيْلِ» می

نویسد: آنگاه که از اولش اقبال کند و آن گاه که ادبار نماید و پشت نماید و آن از اضداد است زید شهید نیز دو معنی اقبال و

ادبار را مطرح می‌کند. (زید بن علی (ع)، ص ۴۶۶)

زید شهید در آیه ۲۶ سوره بقره «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا...» (خداوند ابایی ندارد که به پشه

و کمتر از آن مثال بزند) واژه «فوق» را در زمره اضداد مطرح می‌کند و می‌نویسد: یعنی در کوچکی و این واژه در زمره اضداد

است. (زید بن علی (ع)، ص ۱۲۵)

ابوعبیده می‌نویسد: یعنی کوچکتر و معتقد است این واژه در بزرگی و کوچکی مورد استعمال قرار می‌گیرد. (ابو

عبیده، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۵)

نمونه دیگری که زید شهید جزء واژگان متضاد ذکر می‌کند، آیه ۴۹ سوره بقره ذیل واژه «بلاء» است؛ وی می‌نویسد:

بلاء در شرّ و بدی و نعمت است و آن دو ضدّ هستند. (زید بن علی (ع)، ص ۱۲۷)

۴-۴- بیان معربات و واژگان بیگانه و توجه به لهجات مختلف عرب

زید شهید از جمله مؤلفانی است که به واژگان بیگانه در کتاب خود عنایت داشته است؛ شاید بتوان گفت وی حدود

۲۱ واژه را در شمار واژگان بیگانه به حساب می‌آورد و صرفاً به بیان اینکه واژه از چه زبانی مشتق شده، می‌پردازد؛ اینک به ذکر

نمونه‌هایی از این واژگان می‌پردازیم:

وی واژه فردوس را برگرفته از زبان رومی و به معنای بستان می‌داند. (زید بن علی (ع)، ص ۲۶۴) این قول که واژه

فردوس، به زبان رومی بستان باشد، در تفاسیر از مجاهد نقل شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۳۹۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳،

ص ۱۰۷؛ سیوطی، بیتا، ج ۳، ص ۲۵۴)

گفته‌اند واژه فردوس به زبان نبطی درخت انگور و به زبان سریانی باغ انگور و به زبان حبشی بهشت و به زبان عربی



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بهشت دارای درختان به هم پیچیده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۰۱) بعضی نیز این واژه را برگرفته از عبری فردیس و سریانی فردایسا و ترگومی آرامی فردیسا می‌دانند که در همه زبان‌ها مستعمل بوده و سپس به زبان عربی منتقل شده است. (حسن مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۵۱)

برخی بر این باورند که بعید است واژه مستقیماً از یونانی وارد عربی شده باشد؛ اصل واژه ایرانی است و گزنفون این واژه را وارد زبان یونانی کرد و برای باغها و گردشگاه‌های ایران به کار برد. (جفری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶ و ۳۱۷).

زید واژه «سجیل» را معرب از سنگ و گل می‌داند؛ وی در معنای اصلی این واژه به سخت و شدید بودن آن اشاره می‌کند؛ (زید بن علی (ع)، ۲۲۰)؛ نظیر این قول را در کلام مفسران می‌توان مشاهده کرد. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۲۳)؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۱۸۹)

برای نمونه‌های بیشتر واژه «سریا» ص ۲۶۶ واژه صلوة ص ۲۸۵ واژه «مشکاة» ص ۲۹۰ کتاب غریب القرآن، واژه «لهوا» ص ۲۷۶، واژه «قسطاس» ص ۲۵۰ و ... مراجعه کنید. روش زید در نقل واژگان بیگانه، به این صورت است که او به اصل الفاظ اشاره ای ندارد.

مؤلف غریب القرآن همچنین به لهجات مختلف عرب عنایت دارد؛ به عنوان نمونه وی در آیه ۳۱ سوره رعد «أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا...» (آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست همه مردم را هدایت می‌کرد.) واژه «یئس» را «یعلم» معنا می‌کند و در ضمن آن اشاره می‌کند که این واژه به لغت نَحْخ است. (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲، ص ۲۳۰) برخی از مفسران مانند زید شهید این واژه را برگرفته از لغت نَحْخ می‌دانند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۱)

مؤلف غریب القرآن در آیه ۶۵ سوره واقعه واژه «تفکّهون» را «تعجبون» معنا کرده، می‌نویسد: به این واژه «تتلامون» یعنی مورد ملامت قرار می‌گیرند و «تندمون» یعنی پشیمان می‌شوند، اطلاق گردیده است، وی در این صورت آن را برگرفته از لغت «عُکَل» و «تمیم» می‌داند. (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲، ص ۴۰۶).

نمونه دیگر آیه ۱۴۴ سوره بقره «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (پس رو به جانب مسجد الحرام کن) است؛ زید

شهید واژه «وجهک» را «نحوه» و «تلقاه» به لغت اهل یثرب می‌داند و می‌نویسد: واژه «شطر» در لغت بنی تغلب به معنای نصف است. (زید بن علی (ع)، ص ۱۳۹)

۲-۴- رویکردهای ادبی در زمینه لغت

علاوه بر جنبه‌های ادبی تفسیر (زید بن علی (ع) در حوزه علوم بلاغت در این تفسیر به جنبه‌های لغوی نیز اهتمام ویژه‌ای دیده می‌شود در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۲-۴-۱- استشهاد به کلام عرب

کلام عرب شامل امثال و حکم عرب و یا شعر عرب نیز می‌شود، مفسران عمدتاً برای تبیین کلام خود به قول عرب استناد می‌کنند؛ زید بن علی (ع) در تبیین آیه «فأمة هاوية» (قارعه/۹) به قول عرب، استناد کرده و بیان می‌کند: هنگامی که کسی در دشواری قرار گیرد، عرب آن را «هوت به امه» می‌خواند. (زید بن علی (ع)، ص ۴۹۶) این تعبیر نفرینی به رسم عرب است زمانی که می‌گوید: «هوت امه» یعنی مادرش ساقط و نابود گردد، بنابراین این کنایه از خواری و گرفتاری است. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۶۵۳) این تعبیر در کلام بسیاری از مفسران دیده می‌شود. (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۹۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۷۴؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۵۹۲؛ نجفی سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۴۰۷).

زید بن علی ذیل آیه ۳۰ سوره نازعات «والارض بعد ذلك دحیها» (زمین را با آسمان گستراندیم) ضمن آنکه به تبیین واژه «دحیها» پرداخته و آن را «بسطها» «گستراندن» معنا نموده است، «مع» را به معنی «بعد» می‌داند و استشهاد به قول عرب می‌کند که در نزد عرب «مع» به معنای «بعد» است. (زید بن علی (ع)، ص ۴۶۰)

نظیر این قول را در تفاسیر دیگر نیز می‌توان مشاهده کرد. (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۸۶۳؛ شوکانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۵۷؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۴۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۹۰).

لازم به ذکر است که زید بن علی (ع) در تبیین واژگان اهتمام چندانی به اشعار عرب ندارد. تنها موردی که وی به شعر



استناد نموده، عبارت از آیه ۴ سوره مدثر است.

۴-۲-۲- تبیین مترادفات

بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که «ترادف» از جمله اسباب غنای مفردات و واژگان یک زبان است. عالم بزرگ نحو

«سیبویه» وجود ترادف در زبان را می‌پذیرد؛ (سیبویه، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۸) همچنین زبان‌شناسانی چون «ابوزید انصاری»، «ابن

جنی» و «ابن اثیر» از قائلان به ترادف هستند. (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۴)

تامل در رویکرد تفسیری زید بن علی روشن می‌سازد که مؤلف غریب القرآن نیز از قائلان به ترادف بوده است و در

تفسیر او نمونه‌های بسیاری از مترادفات را می‌توان یافت. برای مثال وی در آیه ۲ سوره مائده «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ...»

(دشمنی با قومی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، و ادارتان نسازد...) واژه «شنان» را مترادف با «العداوة» و «البغضاء» می

داند؛ (زید بن علی (ع)، ص ۱۷۷) هر دو واژه به معنای «دشمنی» است. تفاسیر نیز واژه «شنان» را به معنی بغض دانسته‌اند. (رازی،

۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۷۹؛ بغوی، ج ۲، ص ۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۳۸ و ...)

مؤلف ذیل آیه ۷۶ سوره انعام «...فَلَمَّا أَقْلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَقْلِينَ» (چون فرو شد، گفت من فروشندگان را دوست ندارم.)

معنای واژه «افل» را «غاب» و «زال» بیان می‌کند؛ (زید بن علی (ع)، ص ۱۸۹) هر دو مفهوم به یک معنی است و آن عبارت است

از «پنهان شدن و غروب کردن و در نهایت از بین رفتن است.» (ابن منظور، ج ۱۱، ص ۱۱۹) زید شهید در آیه ۷۷ سوره اعراف

«...وَعَتُوا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ» (سرکشی از امر پروردگار نمودند...) معنای واژه «عتوا» را عبارت از «تجبروا و تکبروا» عنوان می‌کند که

به معنای سرپیچی است. (زید بن علی (ع)، ص ۱۹۶)

۴-۲-۳- بیان معربات و واژگان بیگانه و توجه به لهجه قبائل

زید شهید از جمله مؤلفانی است که به واژگان بیگانه در کتاب خود عنایت داشته است؛ شاید بتوان گفت وی حدود

۲۱ واژه را در شمار واژگان بیگانه به حساب می‌آورد و صرفاً به بیان اینکه واژه از چه زبانی مشتق شده، می‌پردازد؛ اینک به ذکر



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

نمونه‌هایی از این واژگان می‌پردازیم:

وی واژه فردوس را برگرفته از زبان رومی و به معنای بستان می‌داند. (زید بن علی (ع)، ص ۲۶۴) این قول که واژه

فردوس، به زبان رومی بستان باشد، در تفاسیر از مجاهد نقل شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۳۹۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳،

ص ۱۰۷؛ سیوطی، بیتا، ج ۳، ص ۲۵۴)

گفته‌اند واژه فردوس به زبان نبطی درخت انگور و به زبان سریانی باغ انگور و به زبان حبشی بهشت و به زبان عربی

بهشت دارای درختان به هم پیچیده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۴۰۱) بعضی نیز این واژه را برگرفته از عبری فردیس و

سریانی فردایسا و ترگومی آرامی فردیسا می‌دانند که در همه زبان‌ها مستعمل بوده و سپس به زبان عربی منتقل شده است.

حسن مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۵۱)

برخی بر این باورند که بعید است واژه مستقیماً از یونانی وارد عربی شده باشد؛ اصل واژه ایرانی است و گزنفون این

واژه را وارد زبان یونانی کرد و برای باغها و گردشگاه‌های ایران به کار برد. (جفری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶ و ۳۱۷).

زید واژه «سَجِیل» را معرب از سنگ و گل می‌داند؛ وی در معنای اصلی این واژه به سخت و شدید بودن آن اشاره می‌

کند؛ (زید بن علی (ع)، ۲۲۰)؛ نظیر این قول را در کلام مفسران می‌توان مشاهده کرد. (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۲۳؛ مکارم

شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۱۸۹)

برای نمونه‌های بیشتر واژه «سریا» ص ۲۶۶ واژه صلوة ص ۲۸۵ واژه «مشکاة» ص ۲۹۰ کتاب غریب القرآن، واژه «لهوآ»

ص ۲۷۶، واژه «قسطاس» ص ۲۵۰ و ... مراجعه کنید. روش زید در نقل واژگان بیگانه، به این صورت است که او به اصل الفاظ

اشاره ای ندارد.

مؤلف غریب القرآن همچنین به لهجات مختلف عرب عنایت دارد؛ به عنوان نمونه وی در آیه ۳۱ سوره رعد «أَلَمْ

يَيْسَسِ الَّذِينَ آمَنُوا...» (آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست همه مردم را هدایت می‌کرد.) واژه «يَيْسَسِ» را «یعلم»

معنا می‌کند و در ضمن آن اشاره می‌کند که این واژه به لغت نَحْع است. (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲، ص ۲۳۰) برخی از مفسران



مانند زید شهید این واژه را برگرفته از لغت نخع می‌دانند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۱)

مؤلف غریب القرآن در آیه ۶۵ سوره واقعه واژه «تفکّهون» را «تعجبون» معنا کرده، می‌نویسد: به این واژه «تتلامون»

یعنی مورد ملامت قرار می‌گیرند و «تندمون» یعنی پشیمان می‌شوند، اطلاق گردیده است، وی در این صورت آن را برگرفته از

لغت «عُکَل» و «تمیم» می‌داند. (زید بن علی (ع)، ۱۹۹۲، ص ۴۰۶).

نمونه دیگر آیه ۱۴۴ سوره بقره «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (پس رو به جانب مسجد الحرام کن) است؛ زید

شهید واژه «وجهک» را «نحوه» و «تلقاه» به لغت اهل یثرب می‌داند و می‌نویسد: واژه «شطر» در لغت بنی تغلب به معنای نصف

است. (زید بن علی (ع)، ص ۱۳۹)

زید بن علی (ع) در تبیین بعضی از واژگان معانی غریبی را مطرح می‌کند، که به ندرت در سایر کتب تفسیری آمده و

پیدا کرن ارتباط آن واژه با معنایی که مفسران گفته اند، نیازمند تأمل بیشتر است.

نتیجه گیری :

۱- تفسیر غریب القرآن از اولین نگاه‌هاست که تفسیری در حوزه علوم ادبی است که بررسی این کتاب حاکی از آن

است که رویکردهای ادبی در این تفسیر در دو بعد «علوم بلاغی و تبیین اعجاز قرآن» و «بعد لغوی و واژگانی

قرآن» قابل بررسی است.

۲- زید بن علی (ع) در تبیین بعد «علوم بلاغی و اعجاز قرآن» مجاز و کنایه را در آیات قرآن مشخص می‌نماید. و در بعد

«لغوی و واژگانی قرآن» از اقوال عرب بهره می‌گیرد و نیز به الفاظ معرب، مترادف و توجه به لهجه قبائل، مبحث

دیگری است که زید به آن پرداخته است.

۳- در تبیین برخی از واژگان قرآن به بعد تفسیری و مفهومی آن اشاره می‌کند لذا از واژگانی بهره می‌گیرد که کمتر



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

در کتب تفسیر آمده و پیدا کردن ارتباط آن واژه با معنایی که مفسران گفته اند، نیازمند تأمل بیشتر است.

۴- اگر چه جمعی از محققان معتقدند که تفسیر «غریب القرآن» از کلمات متفرقه زید بن علی گردآوری شده و

جمعی از علمای بزرگ زیدیه آن را روایت کرده اند، اما از کتاب زید بن علی (ع) در منابعی چون «تاریخ التراث

العربی»، «تاریخ الادب العربی»، «الاعلام زرکلی»، و ... یاد شده و در گزارش‌های مختلفی از جمله در کتاب

«امالی» ابن شجری و «طبقات الزیدیه» صارم الدین و کتاب «الروض النضیر» این کتاب به زید نسبت داده شده است.

شبهات برخی از روایات تفسیری زید که در کتب تفسیری شیعه و سنی آمده با روایات این کتاب و نیز شبهات

بعضی از اقوال زید در غریب القرآن با اقوالی که در کتابهای دیگرش وجود دارد می‌تواند دلیل دیگری بر صحت

انتساب غریب القرآن به زید باشد.

۵- علیرغم اهمیت این کتاب در علم تفسیر و لغت، تاثیر آشکاری

از غریب القرآن در کتب تفسیری دیده نمی‌شود احتمال می

رود این امر به دلیل قیام زید و شخصیت سیاسی او و نیز ترس

از حاکمیت وقت در انتشار این کتاب باشد به ویژه آنکه این

جریان یعنی انقلاب زیدیه تا دولت عباسی ادامه داشته است.

تنها کتابی که به صراحت و وضوح از آن اقتباس کرده کتاب

امالی ابن شجری است. همچنین ابوعبیده معمر بن مثنی و جوه

مشترکی با کتاب زید درگ معانی مفردات دارد زیرا ظاهراً او

به کتاب دسترسی داشته و راوی اول کتاب زید یعنی

ابوعمر و الواسطی معاصر با ابوعبیده بوده است از اینرو او

اخبار زید و جزئیات زندگی و قیام او را نوشته است.

Abstract

One of the rooted courses in Quran interpretation is based on belletristic science that its background refers to Quran descending time. all commentary efforts with belletristic science tendency from second century and after that are considerable in two classification : word commentary or Gharibol Quran and eloquence commentary. Zaid ibn Ali is one of the famous Moslem scholar that compiled a book in this field. His book is known as one of the first in Gharibol Quran .Emphasis of this book is clear in word science, since he live in age of word argument .Zaid ibn Ali used from three importance interpretation sources means Quran by Quran, Arab paroles and companion paroles for specify of words. He also specially paid attention to belletristic points and hinted to the metaphor , allusion and ambiguous problems . Explanation of the words that has been Arabic and consider to accent of tribes are another specification of his interpretation . Regardless of this book there is not any explicit influence from Gharibol Quran in all interpretation books . This issue may be related to Zaid insurrection and his political character and fear from propagation of this book, especially that the Zaid revolution had continued till establishment of Abbasi government.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۳، [بی تا].

۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ق) عبدالرحمن بن محمد، تفسیر ابن ابی حاتم، عربستان؛ مکتبه نزار

مصطفی.

۴. ابن حجر، احمد بن علی، (۱۴۰۴ق) تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر.

۴. ابن جوزی، ابوالفرج، (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.

۵. ابن حبان، ابوحاتم محمد، (۱۹۷۳م)، الثقات، دائره المعارف العثمانیه، حیدرآباد هند.

۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: مؤسسه انتشارات علامه.

۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، تفسیر التحرير و التنویر، [بی جا].

۹. ابن عجبیه، احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.

۱۰. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۱۱ق)، غریب القرآن، بیروت، دارالمکتبه الهلال.

۱۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد

علی بیضون.

۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

۱۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۶ش)، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر.

۱۴. ابوزهره، محمد، (بی تا)، الامام زید حیاته و عصره - آراوه و فقهه - بیروت: مکتبه الاسلامیه.

۱۵. اردبیلی غروی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، جامع الرواه، بیروت، دارالاضواء

۱۷. بخاری، اسماعیل بن ابراهیم، (بی تا)، التاریخ الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۸. بروکمان، (۱۹۷۵) تاریخ الادب العربی، مصر: دار المعارف.

۱۹. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. بلنسی، ابی عبدالله محمد بن علی تفسیر، (۱۴۱۱ق)، مبهمات القرآن، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۲۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق) انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق، (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. جفری، آرتور، (۱۳۸۵)، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: توس.
۲۶. حاجی خلیفه، (بی تا)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، (۱۴۰۹ق)، تأویل آیات الظاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۲)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: انتشارات دوستان.
۲۹. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، (۱۴۱۰ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۰. ذهبی، ابی عبدالله، (بی تا)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار المعرفه.
۳۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۳۲. رضوی اردکانی شیرازی، سید ابوفاضل، (۱۳۶۱)، شخصیت و قیام زید بن علی (ع)، [بی جا]: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۰۵ق)، مقدمه ی جامع التفاسیر، دار الدعوة، کویت، ص ۴۷.



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۳۶. زرکشی، بدرالدین، (بی تا)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار التراث.

۳۸. زرکلی، خیر الدین، (۱۹۸۶) الاعلام قاموس تراجم لا شهر الرجال و النساء، بیروت: دار العلم، چاپ هفتم.

۳۹. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق) الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی .

۳۹. زید بن علی بن حسین (ع)، (۱۳۷۶)، تفسیر غریب القرآن، تحقیق محمد جواد حسینی جلالی، قم: مکتبه الاعلام

الاسلامی.

۴۰. زید بن علی (ع)، (۱۹۹۲م) تفسیر غریب القرآن، تحقیق حسن محمد تقی حکیم، بیروت: دارالعلمیه.

۴۱. سزگین، فؤاد، (۱۴۱۲ق)، تاریخ التراث العربی فی علوم القرآن الحدیث، محمد، فهمی، حجازی، قم: مکتبه آیت

الله العظمی مرعشی نجفی.

۴۲. سورآبادی، ابوبکر، (۱۳۸۰)، تفسیر سورآبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.

۴۳. سیوییه، (۱۹۶۶م)، الکتاب، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت، عالم الکتاب.

۴۳. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۴۴. _____، (۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار ابن کثیر.

۴۵. _____ (بی تا) المزهر فی علوم اللغه و انواعها، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الاولى، طبع البابی

الحلبی.

۴۵. _____، (۱۴۰۹ق)، مفحمت الاقران فی مبهمات القرآن، بیروت: مؤسسه الرساله.

۴۶. شیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق) نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران، بنیاد دایره المعارف الاسلامی.

۴۷. شبر، سید عبدالله، (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: مکتبه الالفین.

۴۸. الشرفاوی اقبال، أحمد، معجم المعاجم، دار الغرب الاسلامی،

۴۹. شوکانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۵۰. صدر، سید حسن، (بی تا)، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، بیروت: مؤسسه النعمان.

۵۱. صادق الراعی، مصطفی، (۱۴۲۱ هـ ۲۰۰۰ م)، اعجاز القرآن و البلاغۃ النبویۃ، الطبعة الاولى، دار الکتب العلمیۃ -

بیروت،

۵۲. صاوی جوینی، مصطفی، (۱۹۹۸م) التفسیر الادبی للنص القرآنی، اسکندریه، دارالمعرفه الجامعیه.

۵۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم.

۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق) مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه.

۵۴. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۵۵. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۵۶. طوسی، محمد بن علی، (بی تا)، الفهرست، به کوشش رامیار، مشهد: دانشگاه مشهد.

۵۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، انتشارات اسلامی.

۵۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل البيت.

۶۰. عاملی، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم.

۶۱. عبدالعال، سالم مکرم، اللغة العربیۃ فی رحاب القرآن الکریم،

۶۲. حافظ بن حجر عسقلانی، (بی تا)، تهذیب التهذیب، بیروت لبنان: دار احیاء التراث العربی.

۶۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.

۶۴. عقیقی بخشایشی، (۱۳۷۲)، طبقات مفسران شیعه، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

۶۵. العوّا، سلوی محمد، (۱۹۶۸م)، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، بیروت: دار الشروق.

۶۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، قم: انتشارات هجرت.
۶۷. فیض کاشانی، ملا حسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
۶۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۶۹. _____، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
۷۱. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۴۲۳ق)، زبده التفاسیر، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۷۲. کحاله، عمر رضا، (بی تا)، معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۳. مامقانی، (بی تا)، تنقیح المقال فی علم الرجال، (بی جا).
۷۴. مختار عمر، احمد، لغة القرآن، (۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۷ م.)، دراسة توثیقیة فنیة، مؤسسه الكويت للتقدم العلمی، الطبعة الثالثة
۷۵. معمر بن منی، ابو عبیده، (۱۳۸۱)، مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ق)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۷۷. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷۸. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان ۱۴۱۴ق.، ()، الارشاد، ترجمه رسول محلاتی، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید.
۸۰. المنجد، محمد نور الدین، (۱۹۱۸م)، الاشتراک اللفظی فی القرآن الکریم بین النظریه و التطبيق، دمشق: دارالفکر.
۸۱. میبدی، احمد بن ابی اسعد رشید الدین، (۱۳۷۱ش)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۸۲. موسوی خویی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹)، معجم الرجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۸۳. موسوی نژاد، سید علی، (۱۳۸۴)، تراث الزیدیه، (بی جا): مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.

الثالثة



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

با مجوز رسمی شماره ۱۶/۱۵۰۰۱۶ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۸۴. نیشابوری، محمود بن الحسن، (۱۴۱۵ق)، ایجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت: دار المغرب الاسلامی.

۸۵. هاشمی، احمد، (۱۳۷۹)، جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع، تهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.

۸۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۴۱۳ق)، تاریخ یعقوبی، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.